

در باره سند مربوط به استراتژی و تاکتیک سازمان

بند ۱ -

فردیست همانگونه که تضاد اصلی بدین کار و سازمان تعلق داشته است ، تضاد عمده نیز مشخص شود .
رکن یا دشمنان استراتژی ما مشخص شوند . رابطه و پیوند تضاد اصلی و تضاد عمده
مشخص شود . در تعیین مرحله انقلاب که بدین مختصات ملی (ضد امپریالیستی)
و دگرگونی بیان داده شده رابطه این دو مختصات مشخص شود .

بنا بر توجه به تغییر در مختصات ضد امپریالیستی انقلاب (ابد از انقلاب بهمن ۵۷) حاصل شده
است و برحسب تر شدن مختصات دگرگونی انقلاب نیز میسر شده است و در این
بعد انقلاب ما دگرگونی ملی قید شود . (اگر این چندین مورد را برای ما نگذارد)

بند ۵ -

دولت برآمده از انقلابی که رهبر صیبه کارگر در آن تأسیس شده باشد بدین دولت دگرگونی
قوه ای قید شده است .

این دولت از نوع دولتها پروتاریا است (دولت دگرگونی و انقلاب کارگر و دهقانان)
اما هنوز دولت دگرگونی سوسیالیستی نیست . بنابراین میدان جمله را از حالت شرطی را آورد
پسندید که جزء صغی فهمیده است (بر این باره) مضموناً هیچ نقادتی با جمله مستخرج در بند ۵
ندارد . وقتی که مسأله انقیاد برابر ناروشن شده است که "بیدرفت پیگیری و به فرجام رساندن
انقلاب ملی و دگرگونی در گرو تأسیس حکومت پروتاریا در این انقلاب است و دولت
برآمده از چنین انقلابی دولت دگرگونی قوه ای است" بنابراین هیچ لزومی وجود دارد
که باز شعار استراتژی خود را بهم نگاهداریم .

با تعیین دشمنان استراتژی - دشمنان استراتژی - نقش استراتژی و هدف استراتژی
میدان شعار استراتژی خود را در این مرحله از انقلاب چنین بیان نمود :
برقرار باد جمهوری دگرگونی قوه ای (مخلوق)

میدان در شهر محمد در راه ایران نیز مقرر

تردد نیست شکل حرکت محمد را خواهد بود در ^{حال} استوار آن کتی نور در راه کار و دهقان

است که هر چند رهبر صبه کار است اما هنوز کتی نور در راه نیست . این دولت قار به

ایمان نام تمام وظایف مرحله های در راه انقلاب و فرار دادن آن به انقلاب سرسبز است .

در این بند میناد حذف یا ابراف سوم نفی (مانی سرگروه بیرون ریاست به خیریت صبه

کار و بیانه در ...) را دارم .

رفتن غریب! راستن را خواهد دهند دارم روی مسأله تقریف استوار است و صبه متحدین (از نظر ترکیب

و هر چه آن) فکری نم . در حال حاضر در راه استوار است تعالی طرح محمد در راه خلق را دارم

در مورد صبه متحدین چون آنرا وسیله ای برای سرنگون رژیم می نامیم تعالی علم طرح رهبر و عدم موقوف

کردن تشکیل صبه بزرگ سرنگون رژیم به پذیرش رهبر صبه کار از جانب سایر نیروها را دارم . در حال دولت
آرتیتر رژیم ج ۱۰ را دولتی شکل از کارها ، دهقان ، خرد برداران و روشنفکران خلقی ^{می نامیم} که

سرو رهبر روان دولت نمی نامیم .
پرویز باسد - ۴ مرداد ۶۵